

بررسی و تحلیل نفوذپذیری انقلاب‌های توحیدی

علی سعیدی شاهرودی^۱

عزیز مراد مرادی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۷/۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۰/۱۸

چکیده:

انقلاب‌های توحیدی همچون انقلاب‌های جهان در مراحل مختلف با موفقیت و شکست روبرو گردیده‌اند. انقلاب حضرت نوح (علیه‌السلام) در مرحله تشکیل، انقلاب حضرت موسی (علیه‌السلام) در مرحله استقرار و انقلاب حضرت محمد (صلوات‌الله‌علیه و آله) در مرحله استمرار و استكمال با چالش و شکست مواجه بوده‌اند. پژوهش حاضر باهدف بررسی موضوع و شناخت علل و عوامل نفوذپذیری انقلاب‌های توحیدی و با طرح این سؤال اصلی "علل و عوامل نفوذپذیری انقلاب‌های توحید کدام‌اند؟" انجام گرفته است. در این پژوهش از روش آمیخته با رویکرد کمی و کیفی استفاده شده. بر اساس یافته‌های تحقیق: ارتداد و رجعت، تفکیک شاریعت از خالقیت، انحراف خواص، نفوذ عناصر ناهل در چرخه قدرت، عدم همراهی مردم و گسست مردم از شریعت و رهبری، وجود بقایای عادات و رسوم جاهلی، بروز انحرافات فکری، نمادسازی و شریعت سازی، تبدیل معیارهای شایسته‌سالاری به معیار قوم سالاری، عدم همراهی مردم و خواص در مقاطع حساس مهم‌ترین علل و عوامل نفوذپذیری انقلاب‌های توحیدی می‌باشند. از منظر قرآن کریم عامل مهم پیروزی و نفوذپذیری انقلاب مردم هستند.

کلیدواژه‌ها: انقلاب، انقلاب توحیدی، تمدن، نفوذپذیری، رهبری دینی، امت

^۱استاد یار دانشگاه امام حسین علیه السلام

^۲عضو هیئت علمی دانشگاه علوم انتظامی امین و دانشجوی دکتری امنیت ملی دانشگاه عالی دفاع ملی

مقدمه:

تحولات و دگرگونی‌های تاریخ، از حیات تا ممات و از صعود تا سقوط تمدن‌ها همه تابع ضوابط و مقررات مشخصی است که جامعه بشری می‌تواند در پرتو آگاهی از آن‌ها و برقراری رابطه مطلوب با آن سنن و قواعد که جلوه‌ای از حاکمیت و اراده خدا بر تاریخ است، زمینه‌های سعادت‌مندی خود را فراهم آورد؛ بنابراین، نعمت‌های الهی آن بخش از تدبیر یا سازمان‌دهی خداوند را در برمی‌گیرد که استمرار و تکرار داشته و روش غیرقابل‌تبدیل و تحول‌خداوند است. در این خصوص خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: بی‌تردید پیش از شما سنت‌ها و ضوابطی بر جوامع انسانی حاکم بوده است، برای دریافت آن سنن و آگاهی از حقیقت آن‌ها به گردش و سیر و سیاحت در زمین بپردازید تا بدانید سرانجام تکذیب‌کنندگان چه بوده است. (آل‌عمران: ۱۳۷)

انقلاب‌های سیاسی جهان همچون انقلاب کبیر فرانسه (۱۷۸۹م)، انقلاب سوسیالیستی شوروی (۱۹۱۷م) میلادی و انقلاب الجزایر (۱۹۶۲م) میلادی همواره در معرض آسیب و تهدید بوده‌اند و هرکدام پس از چند سال از مسیر خود خارج شده‌اند. انقلاب فرانسه و شوروی پس از ۲۰ سال دگرگون شدند. انقلاب الجزایر گرچه از جانب مردم مسلمان برپا شد اما در آنجا اسلام نتوانست حاکم شود، در انقلاب چین نیز ناکامی به شکل دیگری نمود یافت. (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۷، دیدار شرکت‌کنندگان در همایش آسیب‌شناسی انقلاب اسلامی)

انقلاب‌های توحیدی نیز از این اصل مستثنا نبوده و در معرض تهدیدها، آسیب‌ها و انحرافات بوده‌اند. به‌طور مثال انقلاب موسی بن عمران و رجعت بعدازآن، انقلاب صدر اسلام که پیروز شد و استقرار یافت اما بعد از مدتی مورد تخریب، تهدید و انحراف قرار گرفت. چالش اصلی موجود در این راستا در طول تاریخ آن است که بشر در گردن نهادن به آنچه از جانب پروردگار ارسال شده است، نمره قابل‌قبولی دریافت نموده است و در هر زمان، افکار و گرایش‌هایی خواسته یا ناخواسته درصدد بودند تا انسان را از هدایت تشریحی خداوند محروم نمایند. شناسایی و تبیین چالش‌های موجود در این مسیر، اهمیت انجام تحقیق را می‌رساند.

بقاء، استمرار حاکمیت دینی و صیانت از نرم‌افزار بعثت در عصر حاضر و تداوم حاکمیت دینی با محوریت ولی‌فقیه مستلزم پژوهشی ژرف در جهت شناخت اصول و مبانی نرم‌افزار بعثت، شاخص‌های حکومت دینی، اصول و شاخص‌های خط امام و رهبری، شناخت تهدیدات نرم و سخت علیه نرم‌افزار انقلاب و پیش‌بینی راه‌کارهای مقابله با تهدیدات است. شناسایی علل و عوامل

و انگیزه‌های متعدد که موجب دستبرد و ربایش و تغییر راهبرد و نرم‌افزار بعثت و انحراف و تغییر در ماهیت نهضت‌ها و انقلاب‌های توحیدی پیشین گردیده و موجب شکست آن‌ها شده است، جهت کاهش انحراف در افکار عامه مردم، از علل ضرورت واکاوی موضوع است.

اعتلا و نفوذپذیری انقلاب‌های توحیدی نیز همانند تمدن‌ها و سایر انقلاب‌های جهان علل و عواملی دارد که در مسیر انقلاب حادث می‌شود. لذا تبیین صحیح نقش عوامل تأثیرگذار در انقلاب، علل و عوامل پیروزی، استمرار و نفوذپذیری انقلاب، موضوعی است که نگارندگان را بر آن داشت تا با بررسی اسناد و منابع معتبر و مصاحبه با خبرگان به این مهم دست یابند.

اهداف تحقیق:

هدف اصلی این تحقیق شناخت علل و عوامل نفوذپذیری انقلاب‌های توحیدی است و اهداف فرعی شامل شناخت ارکان تأثیرگذار شکل‌گیری و اعتلای انقلاب‌های توحیدی، شناخت علل و عوامل اصلی زمینه‌ساز نفوذپذیری انقلاب‌های توحیدی و پیامدهای ناشی از آن است. سؤال اصلی آن نیز بر این اساس چیستی علل و عوامل نفوذپذیری انقلاب‌های توحیدی است.

پیشینه تحقیق:

با بررسی صورت گرفته مشخص شد که در خصوص این موضوع کار پژوهشی در قالب رساله یا مقاله صورت نگرفته است؛ اما کتاب‌های زیادی در این خصوص نوشته شده که هر یک از منظرهای مختلف به موضوع پژوهش نزدیک شده‌اند؛ اما هر یک از آن‌ها به بخشی از موضوع رساله پرداخته‌اند که در ذیل به مواردی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱- سعیدی شاهرودی، علی (۱۳۸۸) در کتاب خود تحت عنوان «حاکمیت دینی» در این کتاب به بررسی مواردی از جمله: مهندسی حاکمیت دینی، رابطه و نقش دولت در امور دین، رفتارشناسی دولت اسلامی، تهدیدات و پیروزی‌های انقلاب اسلامی، رفتارشناسی خواص و آسیب‌شناسی نهضت‌های توحیدی پرداخته است. این کتاب ضمن پوشش برخی موضوعات پژوهش حاضر بیشتر به بررسی مسائل انقلاب اسلامی و حکومت دینی پرداخته است.

۲- شکرالهی، مرتضی (۱۳۸۵) در کتاب خود تحت عنوان «آسیب‌شناسی حکومت دینی» به بررسی آفات فرهنگی، آفات اداری، آفات اقتصادی و بررسی آفات اجتماعی در حکومت دینی پرداخته است.

۳- قدردان قراملکی، محمدحسین (۱۳۷۹) در کتاب خود تحت عنوان «حکومت دینی از منظر

شهید مطهری» به بررسی مشروعیت حکومت و ملاک‌های آن و همچنین توصیف انواع آن، مشروعیت حکومت معصومان (علیه‌السلام)، تحلیل ولایت فقیه و حکومت اسلامی، اهداف حکومت اسلامی، حقوق مردم در حکومت اسلامی و در نهایت تحلیل برخی از احکام اجتماعی از نظر اسلام پرداخته است.

۴- حسن، رحیم‌پور ازغدی (۱۳۸۸) در کتاب خود تحت عنوان «فقه و تئوری دولت، طرح فردا» در این کتاب به بررسی مواردی از جمله: تبیین نظریات مختلف در خصوص حکومت اسلامی، تبیین مشروعیت، توضیح اسلامیت و جمهوریت و نکاتی در خصوص ولایت پرداخته و این کتاب همان‌طور که از موضوعات آن آشکار است کتابی تبیینی است که صرفاً جنبه‌هایی از حکومت دینی را مورد کنکاش قرار داده است.

۵- صفایی حائری، علی (۱۳۸۸) در کتاب خود تحت عنوان «مشکلات حکومت دینی» در این کتاب به بررسی مشکلات حکومت دینی (در فرض حاکمیت معصوم و یا در فرض انحراف از حکومت دینی) و توصیف مشکلات حکومت دینی در فرض اجرای سالم اما ضعیف احکام. این کتاب نیز بخشی از چارچوب حکومت دینی را مورد نقد و نظر قرار داده است.

۶- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۹)، در کتاب خود تحت عنوان «ولایت فقیه، ولایت فقاقت و عدالت»، در این کتاب به بررسی انسان؛ آزادی، عبودیت و قانون (توصیف و تبیین)، حکومت اسلامی و اهداف آن، ضرورت ولایت فقیه، ولایت فقیه یا وکالت فقیه و در نهایت اختیارات فقیه. این کتاب ارزشمند نیز به بخش‌های مهمی از چارچوب حکومت دینی پرداخته است.

۷- عمید زنجانی، عباسعلی در کتاب خود تحت عنوان «نظام سیاسی و رهبری در اسلام» در این کتاب به بررسی خلافت الهی، امت واحده، امامت و رهبری، ضرورت تشکیل حکومت و دولت در اسلام، اهداف عالی اسلام، تشیع و دولت مشروع، سیاست و رهبری و صفات رهبری و منابع حقوقی در نظام اسلامی پرداخته است. این کتاب نیز بیشتر به مباحث رهبری جامعه اسلامی پرداخته است و با پژوهش حاضر متفاوت است.

۸- حاجی صادقی، عبدا... (۱۳۹۱) در کتاب خود تحت عنوان «ولایت محوری چیستی، چرایی و چگونگی» در این کتاب به کلیات و مبانی و الزامات ولایت محوری، آثار و موانع ولایت محوری، مباحث اسلام، سیاست و حکومت، دلایل نفی ملازمت دین و سیاست، رابطه دین با دنیا و آخرت و رابطه آزادی با اسلام پرداخته است.

تعریف مفاهیم و اصطلاحات:

تمدن: تمدن در عربی از «مدن» اخذ شده که معنای آن اقامت کردن است. در زبان انگلیسی، این مفهوم امروزه با واژه سیویلیزیشن^۱ معادل است که به معنای استقرار یافتن است و در تعریف اجتماعی، همان شهرنشینی است.

سید حسن تقی زاده، تمدن را نهضت علمی، صنعتی، اجتماعی، سیاسی و مدنی توأم با آزادی می‌داند. (جان احمدی، ۱۳۸۶: ۲۰) دکتر محمدعلی اسلامی ندوش، تمدن را واجد جنبه عینی و علمی دانسته، آن را تأمین‌کننده پیشرفت انسان در هیئت اجتماع می‌داند. پیشرفت واقعی انسان را پیشرفت مادی می‌داند. (اسلامی ندوشن، ۱۳۷۱: ۳۸)

انقلاب: انقلاب در لغت برگشتن از حالی به حالی، دگرگون شدن، تغییر و تحول است و در اصطلاح رایج جهان (تلاش عده‌ای برای واژگون کردن حکومت و ایجاد حکومتی نو) به‌منظور تغییرات اساسی و بنیادین در تمام نهادها، مناسبات ساختار سیاسی و اجتماعی و جایگزینی سازمان نوین و مطلوب در چهارچوب اهداف و آرمان‌های خاص. (پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه) ساموئل هانتینگتون می‌گوید: انقلاب یک دگرگونی سریع، بنیادین و خشونت‌آمیز داخلی در ارزش‌ها و اسطوره‌های مسلط جامعه، نهادهای سیاسی، ساختار اجتماعی، رهبری، فعالیت‌های حکومتی و سیاست‌های آن است (عیوضی، ۱۳۹۱: ۲۰)

انقلاب اسلامی: انقلاب اسلامی را با توجه به خصوصیات منحصر به فردی که دارد آن را از دیگر انقلاب‌های جهان ممتاز می‌سازد این خصوصیات عبارتند از: برخورداری از پشتوانه عظیم فلسفه و فقه و معارف اسلامی، انقلاب اجتماعی همه‌جانبه همراه با تحوّل بنیادین در زندگی انسان‌ها، استواری بر پایه فرهنگ و اعتقاد و ایمان، بهره‌مندی از رویکرد ارزشی و هدف‌گیری اصلاح مفاسد بشری، حاکم‌سازی فرهنگ توحیدی بجای فرهنگ الحادی و استبدادی، شکل‌گیری بر مبنای نظم و انضباط انقلابی. با توجه به این خصوصیات است که انقلاب اسلامی یک تفسیر اسلامی و الهی بوده و به معنای زنده کردن دوباره اسلام است. انقلاب اسلامی؛ یک تحوّل اخلاقی، فرهنگی و اعتقادی است که به دنبال آن‌ها تحوّل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و آنگاه رشد همه‌جانبه ابعاد انسان‌ها می‌آید (قنبری، ۱۳۸۶: ۲۲۳ و ۲۲۲)

انقلاب توحیدی: در یک تقسیم‌بندی کلی انقلاب‌ها به دودسته الهی و مادی تقسیم می‌شوند.

¹ Civilization

انقلاب‌های الهی بر مبنای توحید و مقصد آن‌ها حاکمیت ارزش‌های الهی جامعه است و انقلاب‌ها مادی بر مبنای رفاه مادی برای فرد، گروه، طبقه و... بنا نهاده شده و مقصد آن‌ها رسیدن به امتیازات مادی است.

مبانی نظری و ادبیات تحقیق:

مرور سیر تحولات جوامع و تمدن‌ها از شکل‌گیری تا زوال آن‌ها نشان می‌دهد که جوامع در درون خود مدام در حال تغییر و دگرگونی هستند. از طریق همین دگرگونی‌هاست که پویایی جامعه تحقق می‌یابد، زیرا وجود تحول در بین پدیده‌های اجتماعی موجب می‌شود جامعه به حیات خود ادامه دهد و نیازهای افراد را برآورده سازد. جوامعی که نتوانند نیازهای افراد خود را برآورده سازند متلاشی خواهند شد. از دیدگاه اسلام سیر تاریخ، سیری معقول و بر اساس ضوابط و قوانین است. یکی از مسائل اساسی و پیچیده‌ای که در قرآن کریم بدان اشاره شده، مسئله قانون‌مندی تاریخ یا قواعد و ضوابطی است که بر جامعه حکم فرماست. واژه‌ای که در متون اسلامی برای بیان قانون‌مندی تاریخ به کار رفته «سنت» است. علامه طباطبایی، سنت را به معنای طریقه معمول و رایجی می‌داند که جامعه در آن غالباً یا دائماً سیر می‌کند.

با دقت در قرآن معلوم می‌شود که تکامل تاریخ از دیدگاه اسلام به صورت «تکامل مجموعی» است، یعنی حرکت و سیر تاریخ در مجموع، در جهت پیشرفت است؛ به عبارت دیگر، گرچه جامعه توقف و صعود دارد و سقوط و زوال دارد، ولی در نهایت، سیر متعالی را طی می‌کند و به سوی پیشرفت و کمال و سعادت می‌رود و در مجموع همیشه از مبدأ خود دور و به مقصد نهایی نزدیک‌تر می‌شود؛ بنابراین هر جامعه‌ای یک دوره معینی دارد که آن را سپری می‌کند، اما جامعه جهانی اگرچه با رکودها و وقفه‌های مقطعی روبه‌روست و تمدن یا جامعه‌ای به آخر می‌رسد، ولی سیر نهایی آن، صعودی و تکاملی است.

از نظر ویل دورانت، شکست رهبران سیاسی و معنوی جامعه در مقابله با «ستیز انگیزی» یا «تغییر» عامل مهم دیگری در سقوط تمدن‌هاست. این مایه‌های ستیز ممکن است از چندین منبع سرچشمه بگیرد و گاه که بروز آن‌ها توأم و با توالی باشد تا حد فراهم کردن موجبات زوال قطعی شدت می‌یابد. به عبارت دیگر، امت‌ها به وجود می‌آیند و دورانی را در حالات مختلف توحید و شرک سیر می‌کنند و سرانجام آفتاب عمرشان غروب می‌کند، اما در نهایت، جامعه‌ای ایجاد می‌شود لبریز از عدل و برابری و تأمین‌کننده کمال و بقای انسان، زیرا از منظر قرآن جامعه‌ها، تمدن‌ها و فرهنگ‌ها

به سوی یگانه شدن و متحدالشکل شدن سیر می کنند و آینده جوامع انسانی، جامعه جهانی تکامل یافته که در آن بشر به کمال حقیقی و سعادت واقعی و انسانیت اصیل خود خواهد رسید. با عنایت به مباحث مطرح شده درمی یابیم که اولاً " همانند تمدن ها نفوذپذیری و اعتلای انقلاب های توحیدی علل و عواملی دارد که در مسیر انقلاب ها حادث می گردد و دوم اینکه شناخت و تبیین این علل و عوامل می تواند در استمرار و تداوم انقلاب اسلامی و آگاهی بیشتر مردم، خواص و مسئولان نظام کمک بسزایی بنماید.

دیدگاه ها پیرامون فراز و فرود تمدن ها و انقلاب ها

سه دیدگاه پیرامون فراز و فرود تمدن ها و انقلاب ها وجود دارد که عبارت اند از:

۱- تفسیر تحولات اجتماعی بر مبنای تضاد: این دیدگاه می گوید تحولات اجتماعی و فراز و فرود تمدن ها قانونمند نیست بلکه تضادفی است و هر مورد شرایط خاص خود را دارند و صعود و نفوذپذیری امت ها قابل فرمول گیری و تسری و تعمیم به دیگر موارد نیست.

۲- تفسیر و تحلیل تحولات اجتماعی بر مبنای جبر: این دیدگاه می گوید پیروزی و نفوذپذیری انقلاب ها جبری است چه جبر مذهبی که اشاعره در قرن اول و دوم هجری قمری می گفتند همه اتفاقات حوادث را به خدا نسبت می دادند و برای انسان هیچ نقشی در تحولات قائل نبودند؛ و یا جبر تاریخی که ماتریالیست ها آن را بیان می کنند و معتقد هستند تحولات اجتماعی بر مبنای جبر و علت آن هم تضاد طبقاتی است و انسان در این چرخه نقشی ندارد.

۳- تفسیر و تحلیل تحولات اجتماعی بر مبنای قانون علیت: این نظریه معتقد است تحولات اجتماعی و صعود و نفوذپذیری انقلاب ها و امت ها بر مبنای قانون علیت است و تحولات اجتماعی همانند قوانین فیزیک و شیمی و ریاضی تابع علل و عوامل است. آب در صد درجه به جوش می آید و در صفر درجه یخ می زند؛ و نقش انسان بسیار تعیین کننده و از عوامل اصلی است. برداشت از قرآن: آنچه از آیات شریفه قرآن استفاده می شود همین نظریه سوم است که قرآن بر این دیدگاه تأکید دارد که تحولات اجتماعی قانونمند و هدفمند است و قوانین و سنت های حاکم بر تاریخ ثابت است و انسان در این چرخه نقش تعیین کننده دارد. (سعیدی، ۱۳۹۵)

دلایل قرآن در نظریه هدفمندی و قانونمندی تحولات اجتماعی

(در این خصوص سه دلیل قابل ارائه است):

۱- ارجاع قرآن به تاریخ: بخشی از قرآن بیان تاریخ پیشینیان است مرتب به پیامبر یادآوری می کند

که تاریخ و سرنوشت شیرین و تلخ گذشته را برای مردم بیان کن شاید عبرت بگیرند. قرآن در آیات متعدد می‌فرماید: لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةً لِّأُولِي الْأَلْبَابِ مَا كَانَ حَدِيثًا يُفْتَرَىٰ وَلَكِنْ تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ كُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (یوسف: ۱۱) وَ لَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهُ بِهَا وَ لَكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَ اتَّبَعَ هَوَاهُ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ إِنْ تَحْمِلُ عَلَيْهِ يَلْهَثُ أَوْ تَتْرُكُهُ يَلْهَثُ ذَلِكَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَبُوا بِآيَاتِنَا فَاقْصُصِ الْقَصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ (اعراف: ۱۷۶) وَ لَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ مِنْ بَعْدِ مَا أَهْلَكْنَا الْقُرُونَ الْأُولَىٰ بَصَائِرَ لِلنَّاسِ وَ هُدًى وَ رَحْمَةً لِّعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ (قصص: ۴۳)

آنچه از آیات استنباط می‌شود این است که اگر تحولات اجتماعی تصادفی و یا جبری است ارجاع به تاریخ بیهوده است.

۲- تحلیل و تفسیر حوادث خاص: بخشی دیگر از قرآن تحلیل و تفسیر برخی امت‌ها، اقوام و انقلاب‌ها و بیان علل و عوامل پیروزی و شکست آنهاست. قرآن مجید دو انقلاب عظیم را برای پیامبر اعظم (ص) و امت او به تصویر می‌کشد انقلاب نوح (ع) و موسی (ع) (دو انقلاب توحیدی قبل از پیامبر (ص)). نخست انقلاب حضرت نوح (ع) است که در ۶ سوره بیش از ۴۰ بار سخن از آن حضرت به میان آمده است و علل و عوامل عدم شکل‌گیری حکومت دینی در عصر حضرت نوح (ع) به‌طور مفصل بیان می‌شود. انقلاب دوم، انقلاب حضرت موسی (ع) است که در ۳۵ سوره ۱۳۲ بار از حضرت موسی بن عمران (ع) و انقلاب او سخن به میان آمده است، قرآن کریم به‌طور روشن و صریح مردم را از عوامل مهم پیروزی‌ها و شکست به‌شمار آورده و در آیات متعددی بیش از ده عامل که همه آنها به مردم برمی‌گردد برای شکست انقلاب ذکر می‌کند. (سعیدی، ۲۲ بهمن ۹۳)

این بیان تلخ و شیرین و فراز و فرود دو انقلاب برای امت پیامبر اعظم (ص) است یعنی به پیامبر اعظم (ص) و امت او می‌گوید این دو انقلاب در برابر چشمان شما قرار دارد، نقاط مثبت آن را عمل کنید و نقاط منفی آن را ترک کنید و آنچه را که به‌عنوان درس منظور است، همان نقاط مثبت است و وقتی می‌گوییم عبرت یعنی از نقاط منفی و اشتباهات گذشتگان پرهیز کنیم.

انقلاب سوم توحیدی انقلاب صدر اسلام است، پیامبر (ص) ۲۳ سال زحمت کشید و ۱۰ سال حکومت کرد و هزینه‌ای که پیامبر (ص) و مردم در آن انقلاب پرداختند در تاریخ کم‌نظیر است اما انقلاب پیروز شد؛ پیام پیامبر (ص) نیز همان حدیث ثقلین است که دو قانون را برای دستیابی به مدیریت برتر (قرآن و عترت) به‌جا می‌گذارد.

۳- تصریح به نقش مردم در تحولات اجتماعی: قرآن در چند مورد بر نقش مردم در تحولات اجتماعی تصریح می کند از جمله می فرماید: «... ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم...» (رعد: ۱۱) «ذَٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَىٰ قَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (انفال: ۵۳) «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ» (روم: ۴۱). از آیات فوق و آیات مشابه دیگر این گونه استنباط می شود که سنت خداوند این است اگر نعمتی را به قوم و امتی می دهد آن نعمت را نمی گیرد مگر خودشان زمینه زوال نعمت را فراهم نمایند.

رجعت و ارتجاع آسیب بالقوه انقلاب:

«رجعت» به معنای بازگشت و عقب گرد است و منظور از عقب گرد یعنی بازگشت از کمال به نقص، انتقال از آزادی به استبداد، بازگشت از مردم سالاری دینی به حاکمیت فردی و طاغوتی، عبور از ایمان به کفر و از توحید به شرک، عدول از رهبری الهی به رهبری طاغوتی، بازگشت از قانون الهی به قانون بشر ساخته، عبور از فرهنگ دینی و ملی به فرهنگ بیگانه، بازگشت از سعادت طلبی به عافیت طلبی، از نوع دوستی به خودخواهی و بالاخره عدول از گفتمان دینی و الهی به گفتمان جاهلی و التقاطی است. اگر انقلاب در فرهنگ سیاسی - دینی به معنای تحول درونی انسان و گسستن از شرک و کفر و پیوستن به توحید و اعتقاد و باور به خالقیت و ربوبیت ذات باری تعالی است و اگر انقلاب در گفتمان دینی به معنای بریدن از امام نار و فاصله گرفتن از حکومت طاغوتی و جامعه طاغوت زده و پیوستن به امام نور و قرار گرفتن در سلسله مراتب ولایت الهی است، رجعت و ارتجاع به معنای تحول ارتجاعی درونی انسان و گرایش به سمت شرک و نفاق و ایجاد زمینه پیوستن به طاغوت و شکل گیری حکومت طاغوتی بر محوریت امامت نار خواهد بود.

رجعت و نقش آن در نفوذپذیری انقلاب های توحیدی

تفاوت انقلاب های توحیدی با دیگر انقلاب ها، ماهیت اعتقادی انقلاب های توحیدی و گسستن از غیر خدا و پیوستن همه جانبه به ذات احدیت است که این دو عنصر گسستن و پیوستن در کلمه توحید لاله الا الله تعبیه شده است؛ اگر خدا باوری و ایمان به حضرت حق تا اعماق جان جامعه نفوذ کند، انقلاب ماندنی خواهد بود و تحت تأثیر جریان های رجعت طلب قرار نمی گیرد، اما اگر

تحوّل سطحی باشد و معرفت و باور از عمق لازم برخوردار نباشد، در مواجهه توفان رجعت دچار انفعال خواهد شد.

رجعت در انقلاب پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله

رجعت و ارتجاع بزرگ‌ترین آسیب و عامل نفوذپذیری جامعه انقلابی شبه‌جزیره عربستان پس از پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) بود. انقلابی که توانست نظام جاهلی و طاغوتی را ساقط کند و بنیادها و روابط جامعه جاهلی را دگرگون سازد. این ارتجاع به تدریج موفق شد مسیر حرکت انقلاب را تغییر دهد و بعدها به‌ویژه در عصر اموی آن را به یک حکومت سلطنتی استبدادی تبدیل کند. نکته جالب توجه اینکه خود پیامبر (صلی الله علیه و آله) نگران جنبش ارتجاعی بود و به تکرار در بیاناتشان به این خطر و آسیب اشاره داشت و به خواص و عوام هشدار می‌داد؛ اما متأسفانه جامعه به این هشدارها توجه نکرد و در دام و گرداب جنبش ارتجاعی قرار گرفت (سعیدی، آسیب‌شناسی انقلاب اسلامی، مقاله ۲۸، صبح صادق)

در انقلاب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، قرآن با نهییب به عناصر رجعت طلب می‌فرماید: "و ما محمد الا رسول قد خلت من قبله الرسل فان مات او قتل انقلبتم علی اعقابکم و من ینقلب علی عقبیه فلن یضر الله شیئا و سیجزی الله الشاکرین" و محمد (ص) نیست مگر پیغمبری از طرف خدا که پیش از او نیز پیغمبرانی بودند و از این جهان در گذشتند، اگر او نیز به مرگ یا شهادت در گذشت باز شما بدین جاهلیت خود رجوع خواهید کرد؟ پس هر که مرتد شود، به خدا ضرری نخواهد رسانید و خود را به زیان انداخته و هر کس شکر نعمت دین گذارد و در اسلام پایدار ماند البته خداوند جزای نیک به اعمال شکرگزاران عطا خواهد کرد (آل عمران، ۱۴۴)

عوامل زیربنایی شکل‌گیری و اعتلای انقلاب‌های توحیدی:

بر اساس مستندات قرآنی و روایی سه عامل به‌عنوان زیربنایی‌ترین عوامل شکل‌گیری انقلاب‌های توحیدی بوده است:

نخست شریعت و آیین الهی دوم رهبری الهی و سوم مردم. در حقیقت حکومت دینی مثالی است سه‌ضلعی که یک ضلع آن شریعت، ضلع دومش رهبری الهی و مردم قاعده مثلث هستند و محور صعود و سقوط، پیوستگی و یا گسست مردم از رهبری و شریعت است. برای شکل‌گیری هر انقلابی یک عنصر فکری و دو عامل انسانی موردنیاز است. عنصر فکری همان ایدئولوژی و مکتبی است که انقلاب بر پایه آن استوار می‌گردد و عنصر انسانی نیز یکی مردم‌اند و دیگری رهبری

(اندیشه سیاسی مقام معظم رهبری: ۲۳۰ - ۲۳۱) هرگاه این سه عنصر در کنار هم قرار گیرند و جهت گیری یکسان داشته باشند، انقلاب شکل می گیرد. بدیهی است هر چه قوت این سه رکن بیشتر باشد، سرعت شکل گیری و پیروزی انقلاب نیز بیشتر خواهد بود؛ بنابراین، ارکان انقلاب اسلامی در سه عنصر مکتب، رهبری و مردم بیان می شود. البته نقش تعیین کننده خواص نیز در این زمینه را بایستی در نظر گرفت.

نقش رهبری در شکل گیری انقلاب های توحیدی:

رهبری الهی، با برخورداری از ولایت ذات باری تعالی، محور و رکن اساس حکومت مطلوب و پیام آور مبدأ هستی برای مردم است که قوانین و مقررات الهی را به مردم ارائه می کند. مردم با پذیرش رهبری و پیروی از او و التزام عملی به مکتب و آئین آسمانی، زمینه تحقق حاکمیت الهی و حکومت مطلوب را فراهم می نمایند. این اصل، فرازمانی و فرامکانی است و اختصاص به عصر نبوت ندارد و در طول تاریخ (عصر امامت و عصر فقاقت) مبنا و معیار حکومت مطلوب است.

حضرت موسی (علیه السلام) به عنوان رهبر الهی، محور اصلی سقوط حکومت دیکتاتوری فرعون به شمار می آید؛ اما تحقق حاکمیت الهی با همراهی و تبعیت بنی اسرائیل از رهبری بود. تحول اساسی در شبه جزیره عربستان و حجاز با محوریت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله انجام شد؛ اما همگرایی و تبعیت مردم از رهبری الهی، شرط لازم تحقق حاکمیت دین و ظهور تمدن اسلامی بود. در سقوط رژیم طاغوت، رکن اصلی حاکمیت اسلام و رهبری حضرت امام (رضوان الله تعالی علیه) بود؛ اما پذیرش مکتب متعالی اسلام توسط مردم و تبعیت از رهبری، شرط کافی برای تحقق آرمان ها و اهداف انقلاب اسلامی بود. (سعیدی، ۱۳۸۸)

انقلاب توحیدی و الهی بدون رهبری الهی معنا و مفهوم ندارد و اصولاً شناسنامه انقلاب اسلامی و توحیدی، رهبری الهی است و رهبر از طرف خدا تعیین می شود. در هر انقلابی رهبر نقش اساسی و تعیین کننده داشته است؛ در انقلاب نوح (ع) محور آن حضرت بوده و همین طور حضرت موسی (ع) و در انقلاب پیامبر (ص) نیز خود پیامبر (ص) محور بوده اند و در انقلاب ما در یک دوره محور، حضرت امام (ره) بوده و امروز محور انقلاب، رهبر معظم انقلاب حضرت امام خامنه ای است.

رهبران الهی از آدم (ع) تا خاتم الانبیا (ص)، از خاتم الانبیا تا خاتم الاوصیا و از پیشینیان و آیت الله العظمی بروجردی، امام راحل تا رهبر معظم انقلاب در ۵ اصل باهم مشترک هستند.

نخستین اصل را حجیت و اعتبار است. همان اعتباری که مهر موسی بن عمران (ع) دارد همان اعتبار که مهر محمد رسول الله (ص)، میرزای شیرازی و غیره دارد.

دومین ویژگی مشترک رهبران الهی، میزان اختیار است، همه رهبران الهی در اداره حکومت اختیارات مساوی دارند؛ پیامبران، ائمه معصومین و در عصر غیبت ولی فقیه همان اختیارات پیامبر و امام معصوم را در اداره حکومت دارد البته نمی‌گوییم شئون پیامبر با شئون ولی فقیه یکی است اما در اداره حکومت بین پیامبر، امام معصوم و ولی فقیه هیچ تفاوتی وجود ندارد.

سومین اصل مشترک رهبران الهی در تبعیت است، یعنی به همان اندازه‌ای که از پیامبر اعظم (ص) و امیرالمؤمنین (ع) باید تبعیت کرد، به همان اندازه از روح الله و سیدعلی خامنه‌ای باید اطاعت کرد و تبعیت فرقی ندارد و تمام مقامات باید از محور ولایت تبعیت کنند، عالم و غیرعالم و رئیس و غیر رئیس ندارد و همه باید یکسان از محور رهبری تبعیت و اطاعت کنند.

چهارمین محور اشتراک در رهبران الهی نصب و سازوکار انتخاب یکسان است، یعنی رهبری الهی باید از سوی ذات باری تعالی تعیین شود با تفاوت در مراتبش، منتهی نسل اما این انتصاب نیز خود بر دو نوع تصریحی و توصیفی است به‌عنوان مثال زمانی پیامبر (ص) فرمود من کنت مولی فهدا علی مولا اما گاهی اوقات امام اوصاف رهبر را تعیین می‌کند و خبرگان هستند که رهبر و مصداق آن اوصاف را به مردم معرفی می‌کنند.

پنجمین نقطه مشترک رهبران الهی رسالت یکسان است که سه امر اساسی بر عهده آنان است نخست ابلاغ نسخه خدا و این پیام الهی به مردم و شریعت به‌عنوان متن و سبک زندگی و نقشه راه انسان برای رسیدن به خدا؛ دومین وظیفه ساختاری سازی، دولت سازی، سیستم سازی است؛ مگر پیامبر (ص)، بدون دولت و قدرت می‌توانست خانه کعبه را از ۳۶ بت پاک کند و جامعه جاهلی حجاز را از شراب و فساد بدون قدرت پاک کند. حضرت امام خمینی (ره) از سال ۴۲ حرکت خود را آغاز کرد و در ادامه ملت‌سازی و سپس در ۲۲ بهمن دولت سازی کردند، سومین رسالت رهبران الهی پاسداری از انقلاب و حکومت دینی است و فلسفه ایستادن حضرت امام در برابر بازرگان، بنی‌صدر و غیره همین رسالت است همچنین فلسفه ایستادن و دغدغه‌های مقام معظم رهبری در برابر تکنوکرات‌ها و دوره اصلاح‌طلبان همین مسئله است؛ اگر رهبری احساس کرد یک جریان، گروه و حزبی درصدد دخالت و تغییر نرم‌افزار انقلاب هستند، باید دفاع و از آن حوزه پاسداری کند. (سعیدی، ۱۳۹۳)

نقش شریعت و مکتب در شکل گیری انقلاب توحیدی

انقلاب اسلامی بر پایه اندیشه و جهان بینی اسلامی استوار است. تفسیر انسان، تفسیر تاریخ، تحلیل حوادث حال و گذشته و آینده، تفسیر طبیعت، تبیین همه علایقی که انسان را با دنیای بیرون از وجود او مرتبط می کند و نیز فهم و درک آدمی از وجود خود و همه چیزهایی که نظام ارزشی جامعه را می سازد و آن را بر اداره مطلوب خود قادر می سازد، از این جهان بینی الهی ریشه و مایه می گیرد. شریعت معمولاً به معنای احکام و قوانین آسمانی است و گاهی به معنای دین به کار می رود.

اساسی ترین مبنای جهان بینی الهی و اسلامی، اصل توحید به معنای اعتقاد به وجود خدا و قدرت غیبی او و حاکمیت علم، قدرت، عزت، جلال، جمال مطلق، اراده و مشیت او بر هستی، است و همه امور دیگر به نحوی از انحاء به توحید بازمی گردند. یکی از نکات برجسته و قابل توجه در زمینه انقلاب اسلامی این است که دین اسلام سازنده فرهنگ ملی است و به همین جهت اموری نظیر جهاد، شهادت، پیروی از انسان باتقوا و عادل، بیزاری از ظلم و ظالم، اتحاد و همبستگی، توکل به خدا و ... در متن این فرهنگ قرار دارد و خمیرمایه حرکت انقلابی مردم و پیروزی آنها را به ارمغان می آورد. (قنبری، ۱۳۸۶، اندیشه سیاسی مقام معظم رهبری: ۲۳۱ - ۲۳۲).

نقش مردم در شکل گیری، تداوم و نفوذپذیری انقلاب های توحیدی

از شاخصه های حکومت دینی مقبولیت آن است؛ زیرا فلسفه بعثت انبیاء و تدبیر ذات باری تعالی برای پیش بینی وضع قانون از طریق وحی و یا توسط مقام معصوم اداره امور مردم است؛ و مخاطبین رهبری و شرایع و ادیان الهی مردم هستند؛ و تا مردم ولایت پیامبر و امام و یا ولی فقیه را نپذیرند و ملتزم به عمل و اجراء قوانین نشوند، حاکمیت دینی محقق نمی شود. به عبارت دیگر، آنچه از ناحیه خداوند به عنوان رهبر و قانون برای بشریت به ارمغان آورده شده است توسط مردم به فعلیت رسیده و به منصف ظهور می رسد؛ و چنین پذیرشی باایمان و اعتقاد قلبی شروع می شود؛ و از این روش حاکمیت دینی از نوع آماده سازی و تحول درونی است و به هیچ عنوان حاکمیت با شیوه کودتا و با روش های زورمندانه نخواهد بود.

نقش مردم تولید قدرت است، مکمل علت تامه است مردم قاعده مثلث هستند مردم در اثبات نقش دارند. مردم شرط کافی حاکمیت دینی هستند. اگر رهبر الهی در تشکیل حکومت شرط لازم است

در ادامه هم شرط لازم است. اگر مردم در تشکیل حکومت نقش کافی دارند در ادامه هم نقش کافی دارند. (سعیدی، ۱۳۸۸) در تاریخ، مصادیق و نمونه‌های بسیاری را می‌توان برای تبیین این بحث مورد توجه قرارداد. از نمونه‌های مثبت می‌توان امت حضرت موسی (علیه‌السلام)، امت اسلامی در عصر نبوی صلی‌الله‌علیه و آله، امت انقلاب اسلامی ایران؛ و از نمونه‌های منفی ملت بنی‌اسرائیل و سقوط تمدن آنان، ملت اسلامی در عصر علوی و ائمه اطهار (علیه‌السلام) سقوط تمدن اسلامی در اروپا، سقوط امپراتوری عثمانی و شرایط فعلی اعراب را نام برد.

نقش خواص در انقلاب‌های توحیدی

خواص نیز چون نزدیک‌ترین افراد بوده و نوعی قداست دارند در انقلاب نقش داشته و انحراف آن‌ها باعث انحراف جامعه می‌شود. در عصر موسی (ع)، در عصر امام حسین (ع)، در زمان بعد از پیامبر این انحراف اتفاق افتاد. در انقلاب‌های توحیدی، خواص، همواره نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای همچون هدایت افکار عمومی، ترجمان اندیشه‌های رهبری، تبلور اندیشه‌های رهبری، برخوردار از محبوبیت در زمینه آماده‌سازی مردم و تحقق انقلاب ایفا می‌کنند. حرکت خواص و ایفای نقش تعیین‌کننده آنان در فرایند شکل‌گیری انقلاب، مقاطع حساسی را پدید می‌آورد که از الزامات آن، آزمون خواص و آسیب‌شناسی تفکر و رفتار آنان است زیرا در هر انقلابی، مراحل و مقاطع حساسی وجود دارد که زمینه‌ساز ثبات و یا تغییر وضعیت در خواص می‌شود. این وضعیت را می‌توان در مقطع: مقطع اول- از نقطه آغاز انقلاب تا پیروزی، مقطع دوم- از پیروزی تا پایان مدیریت رهبری اول و مقطع سوم- رحلت رهبری و آغاز رهبری دوم انقلاب شناسایی کرد. از حساس‌ترین نقش‌های خواص، اتخاذ مواضع در شرایط رحلت رهبری و آغاز رهبری جدید انقلاب است. این مواضع می‌تواند تداوم انقلاب را تضمین کند و یا آن را در مسیر ارتجاع به قهقرا بکشانند.

مدل تحلیلی تحقیق:

مدل تحلیلی تحقیق (علل و عوامل صعود و سقوط تمدن‌ها و نفوذپذیری انقلاب‌های توحیدی)

نتیجه و پیامد شکست و نفوذپذیری انقلاب‌های توحیدی	عوامل سقوط و انحطاط تمدن‌ها و نفوذپذیری انقلاب‌های توحیدی	عوامل تأثیرگذار در شکل‌گیری و اعتلای انقلاب‌های توحیدی	علل و عوامل ظهور و صعود تمدن‌ها از منظر قرآن
<p>دور شدن بشر از خداوند و به تبع آن دور شدن از سعادت دنیوی و کمال اخروی، عدم تشکیل و استقرار حکومت دینی و یا تداوم و افتادن حکومت به دست ناهلان، محو شدن شخصیت دینی مسلمانان و اختناق فراگیر، محرومیت بشر از گنجینه علوم و معارف الهی، جعل حدیث، انزوی رهبران دینی، تسلط افراد فاسق بر سرنوشت مسلمانان، اشرافی‌گری و محو ارزش‌ها، تبدیل حکومت دینی به موروثی انتخاب شورایی بجای نصب الهی، محروم ساختن امت از هدایت امام، حفظ شاکله دین و حذف محتوای آن، نفوذ منافقین در دستگاه رهبری جهان اسلام و به دست گرفتن کامل آن در دوران بنی امیه تاکنون همگی ناشی از عدم تشکیل یا تداوم حکومت دینی، ذبح عدالت به اشکال مختلف و در حوزه‌های مختلف اجتماعی و رشد سریع طبقه سرمایه‌داری و شکاف طبقاتی</p>	<p>مردم و عواملی که به مردم برمی‌گردد همانند ظلم و ستم، تکذیب پیامبران و نافرمانی از اوامر الهی، عدم توجه به اصل امر به معروف و نهی از منکر، ارتکاب گناه و سقوط اخلاقی، دنیاپرستی و خوش‌گذرانی، برتری‌طلبی و غرور، کفران نعمت، تقلب در خرید و فروش و کسب روزی (فساد مالی)، تفرقه و اختلاف، نقش منفی خواص، رجعت و ارتجاع</p>	<p>رهبری، شریعت، مردم و خواص، همگامی با آرمان‌های بلند رهبری - توجه به آرمان‌ها و اهداف بزرگ - توجه به رسالت و تکلیف الهی - درک موقعیت زمانی - توجه به هزینه‌ها و دریافت‌ها - اتکا به مدیران لایق و شجاع - صبر و مقاومت - قناعت و صرفه‌جویی - شناخت دسیسه‌های دشمن - التزام به اصول و مبانی</p>	<p>وجود تقوا و ایمان به خدا در افراد جامعه، رعایت حقوق مستضعفان، رهبری و حاکم صالح، وحدت و اتفاق درونی، التزام همگانی افراد جامعه به امر به معروف و نهی از منکر، پرورش ارزش‌های اخلاقی، نیکو، پرهیز از فساد، وجود نیروی نظامی مقتدر، وحدت و اتفاق درونی جامعه، وجود قانون و رعایت آن، شکر نعمت‌های الهی، اجرای فرامین الهی و تعالیمی که توسط پیامبران ارائه شده است.</p>

روش‌شناسی تحقیق:

این تحقیق از نظر نوع توسعه‌ای است. بررسی علل و عوامل اعتلا و نفوذپذیری انقلاب‌های توحیدی موضوعی است که در تحقیق تبیین، توصیف و تحلیل می‌شود. لذا آن دسته از عواملی که انقلاب‌های توحیدی را با چالش مواجه نموده مورد کنکاش قرار می‌گیرند. تا بر اساس نتایج به یک‌راه حل منطقی جهت مرتفع نمودن مشکلات و مسائل موجود قدم برداشته شود. این نوع تحقیق با توجه به رابطه منطقی بین کار پژوهش و مسئله موردنظر انجام گرفته است.

پژوهش حاضر از لحاظ روش تحقیق آمیخته با رویکرد کمی و کیفی است به این صورت که از روش کیفی از مصاحبه هدفمند و از تحلیل محتوای کیفی و بخش دیگر آن از روش کمی و به صورت پیمایش استفاده شده است.

قلمرو تحقیق (زمانی، مکانی، موضوعی)

به طور عام انقلاب‌های توحیدی حضرت نوح (ع) حضرت موسی (ع) رسول اکرم (ص) بررسی شده است. به طور خاص انقلاب اسلامی ایران در دوره رهبری حضرت امام خمینی رضوان الله تعالی علیه و مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای مدظله العالی توصیف و تبیین شده است.

این گونه تحقیقات علمی که در ابعاد فقهی و سیاسی تهیه می‌شوند در جاهایی انجام می‌گیرد که نخبگان علمی و فقهی در آنجا حضور داشته باشند. لذا قلمرو آن مشخص و محدود می‌باشند. افرادی که در حوزه‌های علمیه، سیاست‌مداران و دانشمندانی انتخاب شده که امکان دسترسی به آن‌ها وجود دارد. عمدتاً در شهرهای تهران و قم استفاده شده است.

قلمرو موضوعی: در این تحقیق سعی شده موضوع علل و عوامل اعتلا و شکست انقلاب‌های توحیدی مورد بررسی قرار گیرد.

جامعه آماری تحقیق (ویژگی‌ها و حجم): جامعه آماری پژوهش حاضر صاحب‌نظران و خبرگان در حوزه دین‌پژوهی و به صورت تمام شمار است؛ و از ابزار محقق ساخته که برگرفته از کتب مختلف فقهی، منابع دست‌اول فقه شیعه، کتب تاریخ اسلام و تاریخ انبیاء، تفاسیر معتبر شیعی، نقطه نظرات صاحب‌نظران مسلمان در دوره‌های مختلف و آثار بزرگان شیعی در طول تاریخ و دوران معاصر است استفاده گردیده است. با خبرگان و صاحب‌نظران این حوزه نیز مصاحبه هدفمند انجام گرفته است.

حجم نمونه آماری و روش نمونه‌گیری: در مرحله جمع‌آوری اطلاعات با روش کمی، با مشخص نمودن مفاهیم متغیرها معرف‌های هرکدام ساخته شد و بر اساس معرف‌ها پرسشنامه تهیه گردید. در مجموع تعداد ۵۵ پرسشنامه تهیه و تکمیل گردید. با اتمام این مرحله اطلاعات جمع‌آوری شده در نرم‌افزار SPSS جهت عملیات آماری وارد شدند. اخذ تصمیم درباره حجم نمونه، از لحاظ تأمین میزان دقت نتایج نمونه‌گیری و صرفه‌جویی در مقدار وقت و هزینه، از اهمیتی خاص برخوردار است. در تحقیق کیفی از طریق مصاحبه با اهل فن انجام گرفت. با استفاده نمونه‌گیری هدفمند از خبرگان و صاحب‌نظرانی که در نرم‌افزار بعثت تخصص داشتند سؤالات موردنظر انجام گرفت. حجم نمونه آماری از بین خبرگانی استفاده شده است که متخصص در نرم‌افزار بعثت می‌باشند. این تعداد از علماء به صورت نمونه‌گیری هدفمند انجام گرفت که در این زمینه تعداد ۱۳ نفر از خبرگان مصاحبه علمی گردید.

حجم نمونه در تحقیقات کیفی مانند تحقیقات کمی نیست که از قبل مشخص شده باشد. نمونه‌گیری نظری را نمی‌توان قبل از آغاز پژوهش طراحی کرد تصمیم برای انتخاب نمونه در جریان فرایند پژوهش سازمان می‌یابد. لذا در پژوهش کیفی نمونه‌گیری آن‌قدر ادامه می‌یابد تا اشباع حاصل شود و گردآوری اطلاعات آن‌قدر ادامه می‌یابد تا افزایش اطلاعات منجر به ایجاد مفاهیم و مقولات دیگر در حوزه موضوع تحقیق منجر نشود. (ازکیا، ۱۳۹۰: ۶۳ و ۶۵)

ابزارهای گردآوری داده‌ها: ابزار پژوهش حاضر پرسشنامه محقق ساخته‌ای است که با تأکید بر چارچوب نظری و مدل مفهومی تدوین گردیده است. شاخص‌های سنجش روایی و پایایی آن با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ محاسبه گردید. به منظور اطمینان از اعتبار پرسشنامه، ابتدا پیش‌نویس پرسشنامه تهیه گردید. با اهل فن مشاوره و سپس با جمع‌بندی نظرات اهل فن موضوع، پرسشنامه‌های تحقیق را طراحی شدند. در این مرحله اعتبار صوری تحقیق انجام گرفت. در مرحله بعد به منظور کسب اطلاع از خصیصه روایی ابزارهای تحقیق از روش ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. ضریب آلفای کرونباخ توسط نرم‌افزار Spss محاسبه گردید. بدین منظور یک نمونه اولیه شامل پرسشنامه‌ای که شامل ۶۳ سؤال پیش از آزمون تهیه گردید سپس با استفاده از داده‌های به دست آمده از این پرسشنامه‌ها و به کمک نرم‌افزار SPSS میزان ضریب اعتماد با روش آلفای کرونباخ محاسبه شده که برای پرسشنامه نمره‌های ۰/۸۲۴ به دست آمد و این عدد نمایانگر آن است که پرسشنامه مورد استفاده از قابلیت اعتماد و پایایی لازم برخوردار است.

ضریب پایایی محاسبه شده مقیاس‌ها در پرسشنامه نهایی

نام پرسشنامه	تعداد پاسخگویان	تعداد گویه‌ها (سؤالات)	ضریب آلفای کرونباخ
بعد نظری	۵۵	۲۶	۰/۸۶۸
بعد ساختاری	۵۵	۲۳	۰/۸۱۹
بعد رفتاری	۵۵	۱۴	۰/۷۹۳
کل پرسشنامه	۵۵	۶۳	۰/۸۲۴

همچنان که نتایج محاسبه شده نشان می‌دهد، ابزارهای تحقیق طراحی شده از روایی بالایی برخوردار می‌باشند. از تکنیک‌های فیش برداری از کتب مختلف فقهی، تاریخ اسلام، مقالات، پایانه نامه‌ها، رخ داده‌های تاریخ انقلاب اسلامی ایران، مصاحبه‌ها و اسناد مختلف معتبر استفاده شده است. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها: در تحقیق حاضر جمع‌آوری اطلاعات و داده‌های مورد نیاز برای روند انجام تحقیق به منظور توصیف، تحلیل و تبیین داده‌های مربوط به مدیریت نرم‌افزار بعثت به عمل آمده است. مرحله جمع‌آوری اطلاعات به این صورت انجام گرفت که با مشخص نمودن مفاهیم متغیرها معرف‌های هر کدام ساخته شد و بر اساس معرف‌ها پرسشنامه تهیه گردید. سپس پرسشنامه‌ها در جامعه آماری در مناطقی که نمونه‌ها انتخاب شده بودند تکمیل گردیدند. با اتمام این مرحله اطلاعات جمع‌آوری شده در نرم‌افزار SPSS جهت عملیات آماری وارد شدند. از آزمون فریدمن که یک آزمون نا پارامتری است برای مقایسه سه یا بیش از سه گروه وابسته که حداقل در سطح رتبه‌ای اندازه‌گیری می‌شوند برای آنالیز واریانس با اندازه‌های تکراری (درون‌گروهی) مورد استفاده قرار گرفت. از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری با استفاده از ابزار AMOS برای مدل‌سازی معادله ساختاری استفاده گردید.

تجزیه و تحلیل:

انقلاب‌های توحیدی همچون انقلاب‌های سیاسی جهان همواره در معرض تهدیدها و آسیب‌ها و انحرافات بوده‌اند. مکاتب الهی و حکومت‌های دینی که با صرف هزینه‌های سنگین به پیروزی رسید، اما به علل و عوامل گوناگون دچار چالش و انحراف شد و زمینه سقوط آن‌ها فراهم و به مرور زمان تبدیل به ضد حکومت دینی گردید. همانند حکومت بنی‌اسرائیل به رهبری حضرت

موسی (علیه السلام) که توسط جریان های انحرافی از مسیر خارج شد و یا حکومت اسلام به رهبری پیامبر (صلی الله) که پیروز شد و استقرار یافت اما بعد از رحلت ایشان دچار انحراف شد. انقلاب های توحیدی و انقلاب های جهان هریک در چارچوب جهان بینی خاصی شکل گرفته اند و انقلاب اسلامی ایران نیز در چارچوب جهان بینی توحیدی و متکی بر نرم افراز بعثت جامعه عمل پوشید. بعثت که تجلی و تبلور ربوبیت تشریعی است بزرگترین تدبیر ذات باری تعالی در جهت تضمین دو رکن اساسی رهبری ایدئال و قانون و مقررات مطلوب برای اداره امور انسان و زندگی سالم و پاکیزه در این دنیا و سعادت و خوشبختی ابدی در جهان دیگر است.

در انقلاب های توحیدی، همه ی اجزا و قطعات به هم پیوسته و به مانند یک سیستم است که تغییر هر کدام از قطعات آن به نفی سیستم منجر می شود. طوری که خداوند منان از ابتدا تا انتهای بعثت را طوری مرتبط به هم ساخته است که همانند سیستم عمل می کند و پیامبران و رهبران دینی مسئول ابلاغ، تنظیم و نصب اجزا و حراست و صیانت آن هستند؛ و در این راستا نقش و رسالت خود را با الزامات خاص ایفاء می نمایند. هر چند در طول اعصار مختلف همواره با آسیب و تهدید و انحراف و پیامدهای متعدد مواجه بوده اند. گرچه از دیرباز تاکنون مخالفت ها و تقابل هایی به اشکال گوناگون با پیامبران الهی و ائمه معصومین علیهم السلام و جانشینان آنان در عصر غیبت وجود داشته است، اما خطر و تهدید اصلی دست اندازی به نرم افزار بعثت، ربایش، تغییر و تبدیل ارکان و اصول آن و جایگزین کردن قطعات بدلی و تغییر و تبدیل در منظومه الهی مهم ترین تهدید متوجه بعثت است.

در انقلاب امام خمینی (رحمت الله علیه) که با احیای نرم افزار بعثت و شکل دهی حکومت و ساختار و نظامات آن بر اساس اصول و مبانی و شاخص های بعثت همراه بوده است، با پدیده ربایش و دست اندازی و ورود مؤلفه هایی از گفتمان های اومانیستی، لیبرالیستی، گفتمان ملی گرائی و ناسیونالیستی و گفتمان مادی گرائی و التقاطی به محتوای گفتمان انقلاب اسلامی و تأثیرپذیری عناصر اصلی قوای کشور از گفتمان های مذکور از تهدیدات جدی متوجه نرم افزار انقلاب بوده و هست؛ و تلاش های زیادی از طرف مخالفان حکومت دینی صورت می گیرد تا اصل حکومت دینی در اذهان آحاد جامعه مورد تردید قرار گیرد و با این اقدام نرم زمینه دستبرد و ربایش نرم افزار بعثت را همانند زمان حضرت عیسی و حضرت موسی علیهما السلام فراهم کنند.

لذا به رغم پذیرش حکومت دینی توسط قاطبه مردم و نخبگان جامعه اما به دلایل مختلف ابعاد و

چگونگی آن سؤالات و ابهاماتی در بین جمعی از خواص و مردم وجود دارد که تشریح و تبیین آن ضروری می‌نماید و روشن ساختن این امر که حکومت دینی مبتنی بر اداره خداوند امری پیوسته و مداوم در تاریخ بشر است که تا پایان عمر جهان امتداد خواهد داشت و تنها شکل و صورت آن در طول تاریخ دارای فرایند خاص بوده و در قالب‌های نبوت، امامت و ولایت می‌بایست تحقق یابد..

همچنین بر اساس نظرات حاصله از مصاحبه با خبرگان: ۱- اسلام برای حکومت هم اراده تشکیل و هم مدل مخصوص به خود دارد؛ که این مدل سه دوره دارد که شامل نبوت، امامت و ولایت است. تشکیل حکومت فرمان خداوند بوده و رسالت پیامبر و اجرای دستورات الهی با تشکیل حکومت تحقق پیدا می‌کند. هدف رسالت که هدایت انسان‌ها به سوی کمال و سعادت است. بدون تشکیل حکومت و ایجاد محیطی سالم برای مردم، ممکن نیست. سازوکار حکومت دینی در آگاهی دادن به مردم و تبیین درست برنامه های دینی برای مردم است که مقبولیت مردمی را حاصل می‌کند؛ و البته نقش اول را رهبران الهی با آگاهی دادن و بصیرت بخشی به مردم و هدایت آن‌ها و به صحنه آوردن آن‌ها، پایه‌ها حفظ حکومت را توسط مردم محکم‌تر می‌نمایند.

۲- در خصوص نقش خواص و عامه مردم در تداوم بعثت در عصر حاضر، مصاحبه شونده‌گان بصیرت و آگاهی و پذیرفتن ولایت و التزام به آن را در عمل، مهم‌ترین نقش آنان می‌دانستند. خواص نقش اصلی و کلیدی دارند، هرگاه لطمه ای به دین بوده است از ناحیه خواص بوده است. خواص خود دارای دسته بندی متعددی بوده و همه در یک سطح نیستند. ۳- نقش مردم در امر حکومت به تربیت آنان مرتبط است به این معنی که باید ابتدا مسائل تربیتی دینی اجرا شود سپس انتظار نقش سازنده داشت. ۴- مهم ترین تهدید در همه عصرها، جدا کردن مردم از رهبری است. ۵- رهبران دینی قبل از تشکیل حکومت باید تبیین و اقناع سازی افکار عامه را در دستور کار خود قرار دهند، اما بعد از تشکیل حکومت دینی وظیفه حفظ و حراست آن را دارند. این وظیفه هم شیوه نرم افزاری را طلب می‌کند و هم در صورت لزوم شیوه سخت افزار را ضروری می‌سازد، مانند آنچه حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) در قبل و بعد حکومت خویش انجام داد. ۶- بصیرت بخشی و آگاه نمودن مردم علاوه بر پذیرفتن ولایت که باعث پیروی مردم از ولایت خواهد شد، نقش مثبت خواص است. خواص می‌توانند در این موارد خیلی تأثیرگذار باشند که به موقع تشخیص دهند و به موقع عمل کنند. (مثل مختار بعداً متوجه نشویم مثل عباس به موقع تشخیص دهیم و به موقع عمل کنیم). ۷- در نقاط عطف تاریخی خواص با عملکرد خود مسیر تاریخ را عوض نمودند. جنگ

صفتین ۱۶ ماه طول کشید و در لحظه آخر که معاویه در حال شکست قطعی بود، علی (علیه السلام) از بی‌بصیرتی یاران ایشان خود شکست خورد. یاران علی (علیه السلام) ایشان را شکستند (تحمیل رای علی ولایه) و سه تحمیل بر ایشان کردند، اولین تحمیل آتش‌بس، دومین تحمیل مذاکره و سومین تحمیل ابوموسی را به‌عنوان نماینده امیرالمؤمنین بر ایشان. این نقش منفی خواص در انحراف مردم از بعثت است.

بنابراین در مقام جمع‌بندی حاصله از مبانی نظری و مصاحبه به خبرگان می‌توان گفت: نقش مثبت و منفی خواص و مردم در پیروزی، استقرار، تداوم و شکست انقلاب‌های توحیدی تعیین‌کننده بوده و عدم همراهی مردم و خواص از مهم‌ترین علل و عوامل نفوذپذیری انقلاب‌ها در مقاطع حساس شکل‌گیری، انتقال و استمرار است که می‌تواند انقلاب را به شکست یا انحراف بکشانند.

نتیجه‌گیری:

بر اساس آیات و روایات، زیربنایی‌ترین عوامل شکل‌گیری انقلاب‌های توحیدی شریعت و آیین الهی، رهبری الهی و مردم بوده است: در حقیقت حکومت دینی مثالی است که یک ضلع آن شریعت، ضلع دومش رهبری الهی و مردم قاعده مثلث هستند و محور صعود و سقوط، پیوستگی و یا گسست مردم از رهبری و شریعت است. قرآن کریم به‌طور روشن و صریح مردم را از عوامل مهم پیروزی‌ها و نفوذپذیری به‌شمار آورده و در آیات متعددی بیش از ده عامل که همه آن‌ها به مردم برمی‌گردد برای شکست انقلاب ذکر می‌کند. برخی از این عوامل عبارت‌اند از: ظلم و ستم، تکذیب پیامبران و نافرمانی از اوامر الهی، عدم توجه به اصل امر به معروف و نهی از منکر، ارتکاب گناه و سقوط اخلاقی، دنیاپرستی و خوش‌گذرانی، برتری‌طلبی و غرور، کفران نعمت، تقلب در خرید و فروش و کسب روزی (فساد مالی)، تفرقه و اختلاف. از این منظر همچنین عواملی چون ارتداد و رجعت، تفکیک شاریعت از خالقیت، جایگزینی سامانه عرفی سازی نصب رهبری بجای سامانی مطلوبیت تضمینی، انحراف خواص، دنیاگرایی مجاهدین و گرایش به دنیا، ظهور متعصبین مقدس، تقدم شور دینی بر شعور دینی، نگاه حزبی و قبیله‌ای به قدرت، نفوذ عناصر ناهل در چرخه قدرت، شکل‌گیری طبقه‌ای از اشراف و فقدان بصیرت، عدم همراهی مردم، وجود بقایای عادات و رسوم جاهلی، بروز انحرافات فکری، توطئه و ایستادگی در مقابل رهبران و تخریب و توهین به رهبران دینی، باج‌خواهی و سهم‌خواهی و اعمال نفوذ طالبان قدرت، نمادسازی و شریعت‌سازی، جلوگیری از نقل حدیث و تفسیر قرآن، قدرت‌گرایی بجای حق‌گرایی و تکیه بر

ارزش ذاتی قدرت، منفعت‌گرایی بجای مصلحت‌گرایی واقعی، تبدیل معیارهای شایسته‌سالاری به معیار قوم‌سالاری از مهم‌ترین علل و عوامل شکست و نفوذپذیری انقلاب‌های توحیدی می‌باشند. نتیجه و پیامد شکست و نفوذپذیری انقلاب دور شدن بشر از خداوند و به تبع آن دور شدن از سعادت دنیوی و کمال اخروی، عدم تشکیل و استقرار حکومت دینی و یا تداوم و افتادن حکومت به دست ناهالان؛ محو شدن شخصیت دینی مسلمانان و اختناق فراگیر، محرومیت بشر از گنجینه علوم و معارف الهی، جعل حدیث، انزوای رهبران دینی، تسلط افراد فاسق بر سرنوشت مسلمانان، اشرافی‌گری و محو ارزش‌ها، تبدیل حکومت دینی به موروثی انتخاب‌شورایی بجای نصب الهی، محروم ساختن امت از هدایت امام، حفظ شاکله دین و حذف محتوای آن، نفوذ منافقین در دستگاه رهبری جهان اسلام و به دست گرفتن کامل آن در دوران بنی امیه تاکنون همگی ناشی از عدم تشکیل یا تداوم حکومت دینی، ذبح عدالت به اشکال مختلف و در حوزه‌های مختلف اجتماعی و رشد سریع طبقه سرمایه‌داری و شکاف طبقاتی است.

بر اساس نظرات احصاء شده از مصاحبه با خبرگان، مردم و خواص در پیروزی، استقرار و تداوم انقلاب‌های توحیدی نقش مؤثر و انکارناپذیر داشته و عدم همراهی مردم و خواص در مقاطع حساس از مهم‌ترین علل و عوامل نفوذپذیری انقلاب‌های توحیدی به شمار می‌آید.

منابع و مأخذ:

- قران کریم (ترجمه و تفسیر آیت الله مکارم شیرازی، ۱۳۸۹).
- نهج البلاغه (ترجمه محمد دشتی، ۱۳۷۸).
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ هـ) بحارالانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء.
- بیانات مقام معظم رهبری (۱۳۷۵)، حسینیه لشکر ۲۷ محمد رسول الله.
- بیانات مقام معظم رهبری (۱۳۷۷) دیدار شرکت کنندگان در همایش آسیب شناسی انقلاب اسلامی.
- اسلامی ندوشن، محمدعلی (۱۳۷۱) فرهنگ و شبه فرهنگ، تهران، یزدان.
- الامین، سید محسن (۱۴۰۳ هـ.ق) اعیان الشیعۀ، ج ۷، بیروت، دارالتعارف المطبوعات.
- زهرا جان احمدی، (۱۳۸۶) تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی. قم، نشر معارف...
- شاهرودی، علی (۱۳۹۰) «بازشناسی انقلاب اسلامی ایران» تهران: انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی.
- سعیدی شاهرودی، علی (۱۳۸۸) «حاکمیت دینی» قم: زمزم هدایت.
- سعیدی شاهرودی، علی (۱۳۹۰) «گفتمان اصولگرایی» قم: زمزم هدایت.
- سعیدی ابواسحاقی، عبدالخالق (۱۳۹۱) «رفتارشناسی خواص از دیدگاه قران و نهج البلاغه»، قم: زمزم هدایت.
- شریعتی، علی (۱۳۷۸) تاریخ تمدن، تهران: قلم.
- جمشیدی، محمدحسین، (۱۳۷۷) اندیشه سیاسی شهید رابع سید محمدباقر صدر، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی،
- حلبی، علی اصغر (۱۳۶۵) تاریخ اسلام؛ تهران: اساطیر.
- عیوضی، محمدرحیم، (۱۳۹۱) درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، قم: دفتر نشر معارف، چاپ نوزدهم.
- قنبری، آیت، (۱۳۸۶) اندیشه سیاسی مقام معظم رهبری، تهران: زمزم هدایت، چاپ اول،
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۰) «نهضت های اسلامی در صدساله اخیر» تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی، (۱۳۹۲) مجموعه آثار، ج ۲۴، تهران: انتشارات صدرا،

- موسسه فرهنگی قدر ولایت (۱۳۸۸) «خواص و لحظه‌های تاریخ‌ساز» ج ۲، تهران: موسسه فرهنگی قدر ولایت.
- میرزایی، محمد نبی (۱۳۹۱) عوامل ضعف و انحطاط تمدن اسلامی به لحاظ تعامل از دیدگاه ویل دورانت
- هانتینگتون (۱۳۷۸) برخورد تمدن‌ها؛ تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی
- روحانی، حمید (۱۳۶۴) «نهضت امام خمینی»، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- فصلنامه قیاسات؛ (۱۳۷۸ ه.ش). تهران: زمستان